

اختیار آدمی زاینده عقل آدمی است

چهره ماندگار فلسفه گفت: اختیار آدمی زاینده عقل آدمی است انسان تا آنجایی مختار است که عاقلانه می اندیشد، اختیار در محدوده عقل است. تا آنجا که هر آدمی عاقل است دارای اختیار است.



چهره ماندگار فلسفه گفت: اختیار آدمی زاینده عقل آدمی است انسان تا آنجایی مختار است که عاقلانه می اندیشد، اختیار در محدوده عقل است. تا آنجا که هر آدمی عاقل است دارای اختیار است.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی، عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه در برنامه معرفت که از شبکه چهار سیما پخش می شد، در تفسیر قسمت هایی از اثر خود «اختیار در ضرورت هستی» گفت: اختیار یک واقعیت است، البته ممکن است یک جاهایی با مانع رو به رو شود. برای مثال کبوتر قدرت پرواز دارد ولی وقتی در قفس باشد نمی تواند پرواز کند، قدرت پرواز دارد اما چون در قفس است نمی تواند پرواز کند.

وی اظهار داشت: ممکن است از انسان اختیار را بگیرید یا مانع برایش ایجاد کنید. پس فرق است بین اختیار را سلب کردن و گرفتن اختیار و مانع ایجاد کردن. اختیار سلب نمی شود و همواره انسان دارای اختیار است.

ابراهیمی دینانی با بیان اینکه اگر تمام عالم جمع شوند، اختیار را نمی توانند از شما بگیرند، گفت: مردم نمی توانند اختیار را از شما سلب کنند. حتی خودت هم نمی توانی اختیار را از خودت سلب کنی. حتی سلب اختیار از خود را با اختیار، سلب اختیار می کنی. همانطور که عقل ذاتی است، اختیار هم ذاتی است.

وی ادامه داد: اشخاص فکر می کنند اگر اختیار داشته باشند معنی اش این است که همه کار را در عالم می توانند انجام دهند. اختیار مقتضی عقل است آنجا که عقل نباشد اصلاً اختیار نیست آدم ها فکر می کنند بی بند و باری اختیار است.

این استاد دانشگاه خاطر نشان کرد: باید توجه کنیم اختیار و عقل همدوش یکدیگر هستند. اختیار آدمی زاینده عقل آدمی است انسان تا آنجایی مختار است که عاقلانه می اندیشد، اختیار در محدوده عقل است. تا آنجا که هر آدمی عاقل است دارای اختیار است.

چهره ماندگار فلسفه تأکید کرد: اگر من تشخیص دادم اجماع دو امر متناقض جایز نیست با اختیار تسلیم می شوم. اگر من به کوهی رسیدم و متوجه شدم آن کوه را نمی توانم با دستم بکنم تسلیم می شوم به آنچه که عقل اقتضا می کند و رضایت می دهم. به مجرد اینکه رضایت دادم، اختیار حاصل می شود. رضایت اختیار است. من با اختیار رضایت دادم و با اختیار تسلیم می شوم. حتی آنجا که انسان تسلیم می شود، با اختیار تسلیم می شود. چون عقلش تشخیص می دهد که اینجا باید تسلیم شود و وقتی عقلش تشخیص می دهد، آنجا جای تسلیم است و با اختیار تسلیم می شود.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران در ادامه گفت: اگر با درایت و با هوشمندی تسلیم شدی به محکم ترین رشته چسبیدی، با عقلانیت و هوشمندی رضایت می دهی به آن چیزی که باید رضایت بدهی.

دینانی با بیان اینکه انسان یک موجود خیلی عجیب و غریب است، گفت: همه موجودات در زمان زندگی می کنند ما در لحظه و آن زندگی می کنیم. ولی ما همیشه با اختیار از لحظه و آن فرا می رویم. فکر کردن به آینده از لحظه فرا رفتن است. وقتی به گذشته فکر می کنیم از لحظه فرا می رویم یا به گذشته می رویم یا به آینده یا به هر دو. این به گذشته پیش رفتن و به آینده اندیشیدن از لحظه و آن فرا رفتن است.

وی با اشاره به یکی از اشعار مولوی افزود: مولوی می گوید وقت را بشناس، فرزند وقت باش اما وقت چیست؟ وقت اکنون است یا اکنون زاینده گذشته یا مقدمه آینده است؟ وقت اکنون است. اکنون را بشناس. بدان که این پایان گذشته است. وقت برآیند دو غیرمتناهی گذشته و آینده است.

دینانی ادامه داد: حالا برای چه وقت را بشناسیم؟ برای اینکه از وقت استفاده کنم و از فرصت بهره مند شوم، اگر من از

وقت استفاده نکنم وقت من را می کشد. وقت می آید که به من فرصت بدهد که استفاده کنم. اگر ما از این فرصت استفاده نکنیم ما را می کشد. وقت شمشیر برنده است. این شمشیر یک فرصت برای ما می گذارد اگر از این فرصت استفاده کردیم چه بهتر اگر استفاده نکردیم ما را به دو نیم می کند.

وی در پایان ابراز داشت: اگر کسی زمان و وقت را شناسد، مکان را هم نمی شناسد و اگر کسی زمان و مکان را شناسد، هر آن چیزی را که در زمان و مکان است را نمی شناسد و کسی که زمان و مکان خود را شناخت و آنچه در زمان و مکان است را شناخت هیچ چیز شناخته است.